

جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول مثنوی با تکیه بر نظام گذرایی

دکتر اشرف شیبانی اقدم - دکتر محمدعلی گذشتی - راحله غلامی*

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

چکیده

این مقاله بر ارتباط میان گزینش‌ها، فرم‌های زبان‌شناختی اصلی، ایدئولوژی‌ها و قدرت روابط نهفته در هریک از فرم‌ها در مثنوی معنوی تمرکز دارد و در آن، برخورد مولوی با ارزش‌ها و اندیشه‌های محوری بیان‌شده در آیات قرآن کریم و احادیث براساس پیش‌فرض‌های تحلیل‌گفتمان انتقادی و چارچوب تحلیلی مایکل هلیدی در نظام گذرایی نقشگرا بررسی شده‌اند. بر این اساس، ابیاتی که به‌طور صریح یا ضمنی، به آیات کتاب آسمانی و احادیث اشاره دارند، با توجه به دستور نظام‌مند و کارکردی هلیدی طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند. با بررسی جهت‌یابی‌های ایدئولوژیکی ابیات و فرایندهای اصلی و فرعی این نتیجه حاصل شد که جهان‌بینی حاکم بر این بافت عرفانی تصرف مشیت الهی را در تمام امور القا می‌کند. هسته اصلی و مرکز معنایی فرایندهای به‌کار رفته در آیات و احادیث از نوع رابطه‌ای است. از طرف دیگر، آیات و احادیثی که شامل یک فرایند مشخص هستند، می‌توانند به چند فرایند افزایش یابند، یا برعکس چند فرایند نمودیافته در آیات و احادیث در کلام مولوی می‌تواند به یک فرایند تقلیل یابد و به این ترتیب، بر هدف تعلیمی و ارشادی یک نکته خاص تأکید شود.

کلیدواژه‌ها: احادیث، جهان‌بینی مولوی، قرآن کریم، مثنوی، نظام گذرایی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰

*Email: Gholami.rg@gmail.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

مثنوی معنوی از جمله آثار عرفانی است که پیوند عرفان عملی و نظری را می‌توان در آن مشاهده کرد. این کتاب که بی‌تردید، هم به‌لحاظ ساختار و هم به‌لحاظ محتوا متأثر از کتاب آسمانی مسلمانان است، آینه جهان‌بینی مولوی است و اعمال، اندیشه‌ها، و برداشت‌های درونی و بیرونی و تجربه او از محیط پیرامون را در بستر زبان آشکار می‌سازد. بررسی نقش افعال در انتقال این وجوه با توجه به بندهای موجود در کلام، ارتباط نزدیک ذهن و زبان را منعکس می‌نماید. مطالعه جلوه‌های زبانی فرایندهای اصلی و فرعی، تعیین مشخصه‌های سبکی، و بسامد وقوع آن‌ها انگاره‌های عرفانی دنیای درونی مولوی و ارتباط آن با تجربه‌های بیرونی او را پیوسته‌تر نشان می‌دهد. جهان‌بینی روشن و پویانده مولوی نسبت به هستی و جلوه‌های آن طرح اصلی ابیات او را رقم می‌زند و چشم‌انداز وسیعی از نظام فکری و عاطفی او نسبت به مقام الوهیت، عرفان، و پیوند آن با قرآن را ترسیم می‌کند. بررسی زبانی مثنوی معنوی می‌تواند به درک کامل‌تر و در نتیجه، فهم دستاوردهای درون‌بافتی متنی عرفانی یاری رساند. این مهم در لایه‌های زیرین زبان قابل دریافت است که در شکل‌گیری عناصر محور جانشینی و همنشینی بازتاب می‌یابد. فعل هسته اصلی عناصر بافتی به‌شمار می‌رود که در نظام گذرایی منسوب به مایکل هلیدی با عنوان فرایندها (مادی، ذهنی، کلامی، رابطه‌ای، وجودی، و رفتاری) در کنار عناصر دیگر، یعنی مشارکان و موقعیت‌ها مطالعه می‌شود. در این مقاله کوشیده‌ایم با روش تحلیلی و با توجه به نظام گذرایی که هلیدی در دستور نظام‌مند نقش‌گرا مطرح کرده است، نشان دهیم که چگونه کارکرد معنایی فرایندها در ارائه آیات و احادیث در این اثر عرفانی اثرگذار است.

مطالعات نظری

نظام گذرایی بیان‌کننده رخداد، رابطه، حالت، اندیشه، احساس، رفتار، و وجود پدیده‌های جهان است که هرکدام با عنوان فرایند مطرح می‌شوند. (مهاجر و نبوی ۱۳۷۶: ۷۱) در نظریه هلیدی، از سه فرانش نام برده شده است: فرانش اندیشگانی، بین فردی، و متنی. برای تحلیل این سه نوع فرانش نظام‌های مختلفی به کار می‌رود. فرانش اندیشگانی با شیوه انتقال تجربه به وسیله زبان ارتباط دارد. این فرانش که نمایش زبان‌شناختی دنیای تجربی است، حاصل ترکیب آرایش مکانی شرکت‌کننده‌ها (گروه اسمی)، فرایندها (گروه فعلی)، و رویدادها (گروه‌های قیدی) است. هلیدی (۱۹۹۴) این فرایندها را به شش فرایند تقسیم می‌کند: سه فرایند اصلی مادی، ذهنی، و رابطه‌ای و سه فرایند فرعی کلامی، رفتاری، و وجودی. (رضویان و احسانی ۱۳۹۴: ۱۴۸)

فرایندها در یک گروه فعلی تجلی پیدا می‌کند و شرکت‌کنندگان فرایند در قالب گروه‌های اسمی و صفتی بازتاب می‌یابند. حالت متعدی یا گذرایی از مفاهیم اصلی در توصیف فرانش اندیشگانی محسوب می‌شود؛ بنابراین، اصطلاح گذرایی مفهومی وسیع‌تر نسبت به آنچه دستورنویسان در دستور سنتی مطرح می‌کنند، می‌یابد. در دستوره‌های سنتی، گذرایی به ارتباط میان فعل و اجزای وابسته به آن مانند مفعول بی‌واسطه و باواسطه اطلاق می‌شود، اما در نظام گذرایی هلیدی، هر بند شامل سه جزء است: فعل (فرایندها)، فاعل‌ها و مفعول‌ها/متمم‌ها در ساخت معلوم (گروه اسمی)، رویدادها (عبارت‌های قیدی یا ملحقات). (شیبانی اقدم ۱۳۹۴: ۱۷۹)

هر فعل با یکی از شش فرایند مادی، ذهنی، رابطه‌ای، کلامی، رفتاری، و وجودی نسبت دارد؛ فرایندهای مادی فرایندهای انجام دادن و اتفاق افتادن

هستند. شرکت‌کننده‌های این فرایند شامل یک کنشگر (عامل) و عنصر هدف است. کنشگر عنصر اجباری و هدف اختیاری است. فرایندهای رفتاری که اغلب یک مشارک دارند، فرایندهای مربوط به رفتارهای زیست‌شناختی و روان‌شناختی مانند خندیدن و گریه کردن هستند؛ فرایندهای ذهنی افعال ادراکی (دیدن)، واکنشی (دوست‌داشتن)، و شناختی (فکر کردن) را شامل می‌شوند. مدرک (موجود آگاهی که ادراک می‌کند) و پدیده (آنچه ادراک می‌شود) شرکت‌کنندگان در فرایند ذهنی به‌شمار می‌آیند؛ فرایندهای کلامی فرایندهای گفتن هستند و با یک گوینده، گفته، و گیرنده همراه هستند؛ فرایندهای رابطه‌ای بیانگر فرایندهای بودن هستند و اغلب ارتباط بین دو شرکت‌کننده را مطرح می‌کنند؛ سرانجام، فرایندهای وجودی بر وجود داشتن دلالت می‌کنند. (ر.ک: شیبانی اقدم ۱۳۹۴: ۱۰۸؛ علوی و همکاران ۱۳۹۴: ۲۷۴؛ تولان ۱۳۸۳: ۹۲-۱۰۲)

بررسی فرایندهای مذکور در نظام گذرایی برای دستیابی به لایه‌های زیرین زبان مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. از آنجاکه پیغام با بار ایدئولوژیکی کدگذاری می‌شود و می‌تواند وضعیت شخصیت‌ها را نشان دهد، برتون^۱ ضعف و ناتوانی شخصیت اول رمان *The Bell Jar*، رمانی نیمه‌اتوبیوگرافیک از سیلویا پلات، را با این دید تحلیل می‌کند. برتون با تحلیل گذرایی و در غیبت فرایندهای کنش مادی، ناتوانی شخصیت اصلی زن که تحت مداوای شوک الکتریکی قرار گرفته است، در جایگاه هدف و منفعل ماندن او را نمایش می‌دهد و به این ترتیب، بر تأثیر ابعاد سیاسی بر تفسیر متنی تأکید می‌کند. (برتون ۱۹۸۲) سیمپسون^۲ نیز بر پیوند میان تحلیل ادبی و دیدگاه سیاسی از طریق شیوه‌های تحلیل نظام‌مند

1. Burton

2. Simpson

س ۱۳ - ش ۴۶ - بهار ۹۶ - جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول... / ۱۲۷
اشاره دارد. این موضوع در سبک‌شناسی فمینیستی نیز دنبال شده است. (سیمپسون
۲۰۰۴)

تغییر موضوع متن بر نوع و بسامد استفاده از فرایندها تأثیر مستقیم می‌گذارد؛ چنان‌که در متون تعلیمی که شامل دستورالعمل‌ها و نکته‌های آموزشی هستند، میزان بالایی از فرایندهای مادی ملاحظه می‌شود، اما در متون روایی فرایندهای وجودی و رابطه‌ای بسامد بالایی دارند. (هلیدی و کریستین ۲۰۰۴: ۱۷۴) مولوی در استفاده از آیات و احادیث در اثر عرفانی خود با تأکید بر بخش‌هایی که به توصیف موقعیت‌های خاص کمک می‌کند، فرایندهای مادی را در موقعیتی از نوع فرایندهای رابطه‌ای قرار می‌دهد. فرایندهای رابطه‌ای شخصیت منفعل مولوی به‌طور خاص و انسان به‌طور عام در برابر خداوند و تصرف قدرت مطلق او در تمام امور را نشان می‌دهند. با بررسی نظام‌گذاری در مثنوی معنوی، کارکردهای ذهنی برگرفته از خوانش فرایندها مورد توجه قرار خواهد گرفت؛ فرایندهایی که حاکی از تصویر ذهنی مولوی از واقعیت‌های محیط پیرامون، آیه‌های کتاب آسمانی، احادیث و عرفان و پیوند میان آن‌ها است. این پیوند در چگونگی به‌کارگیری فرایندها آشکار می‌شود. شاعر با استفاده از نوع خاصی از فرایند، تجربه‌های خود را از محیط پیرامون شرح می‌کند. مثنوی اثری تعلیمی است. این مسأله نیز در بررسی فرایندها واکاوی می‌شود که چگونه معنا در بافت شعر ظاهر می‌شود و چه گزینش‌هایی برای ارائه معنا در گفتمان وجود دارد. براساس نظریه هلیدی، در کنار فرایندها، مشارکان (گروه‌های اسمی) و موقعیت‌های مرتبط با فرایندها (گروه‌های حرف اضافه‌ای و قیدی) اجزای دیگر گزاره‌های یک اثر به‌شمار می‌روند. (مهاجر و نبوی ۱۳۷۶: ۴۰-۴۸) در ادامه، فرایندهای اصلی و فرعی به تفکیک بررسی می‌شوند.

جدول ۱: انواع فرایندها

فرایندها	نمونه‌ها
مادی	گر <u>خضر</u> در <u>بحر</u> <u>کشتی</u> را <u>شکست</u> (۲۳۶) (کهف/۸۲-۶۵) کنشگر <u>عنصر</u> هدف فرایند مادی پیرامونی
رفتاری	<u>حس</u> <u>تجری</u> <u>تحت‌الآنهار</u> <u>بین</u> (۲۷۱۸) (بقره/۲۶۶) پدیده فرایند رفتاری
ذهنی	<u>سر آن را</u> <u>درنیابد</u> <u>عام خلق</u> (۲۲۴) (کهف/۸۲-۶۵) پدیده فرایند ذهنی مدرک
کلامی	بی ادب <u>گفتند:</u> <u>کو سیر و عدس!</u> (۸۱) (بقره/۶۱) فرایند کلامی گفته
رابطه‌ای	<u>همشینی</u> <u>مقبلان</u> <u>چون</u> <u>کیمیا</u> <u>ست</u> (کهف/۲۷) <u>مسندالیه</u> <u>مسند</u> <u>فرایند</u> <u>رابطه‌ای</u>
وجودی	<u>نیکوان</u> <u>را هست</u> <u>میراث</u> <u>از خوش آب</u> (۷۴۷) (فاطر/۳۲) فرایند وجودی

تاکنون پژوهش‌هایی براساس این رویکرد انجام شده است؛ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی بندهای اسنادی رابطه‌ای در متن‌های روایی انگلیسی و فارسی براساس نظریه هلیدی»، ۴۰۰ بند، ۲۰۰ بند از انگلیسی و ۲۰۰ بند از فارسی برای دریافت شباهت‌ها و تفاوت‌های ممکن با توجه به سه جزء نظام گذرایی هلیدی، یعنی فرایندها، مشارکان، و موقعیت‌ها تحلیل شده است. در مقاله مزبور، بسامد و درصد داده‌های زبانی با آنالیز توصیفی و استنتاجی شمرده شده و شباهت‌هایی میان انگلیسی و فارسی در مورد بندهای رابطه‌ای نشان داده شده است؛ (کفاشی و همکاران ۲۰۰۴: ۱۵۶) در مقاله «روش اقناع و تحقق آن از طریق آنالیز نظام گذرایی» انواع فرایندها در داستان مزرعه حیوانات از جورج اورول بررسی شده است. بسامد بالای فرایند مادی در این داستان آشکار می‌کند که اقناع دیگران از طریق گسترش درکشان از خود، مشاوره (نصیحت)، و ایجاد تغییر در آن‌ها می‌تواند تأثیرگذارتر از درگیر کردن احساسات و به‌اجبار وارد کردن

واژگانی خاص به ذهن آنان باشد؛ (حیدری درانی ۲۰۱۴: ۱۷۹) شیبانی در کتاب *کلیدواژه‌های سبک‌شناسی ضمن تعریف نظام گذرایی و کارکردهای آن می‌گوید* در پژوهش‌های کسانی چون برتن، نارگارد،^۱ و تولان^۲ با کاربرد مدل‌های گذرایی در تحلیل ادبیات ثابت شده است که فرانش اندیشگانی یک ابزار مفید برای جداکردن دنیای یک متن معین محسوب می‌شود. چنین ابزاری می‌تواند الگوی مناسبی برای نشان دادن چگونگی شخصیت و اعمال او باشد و به تبیین آن کمک می‌کند که چه کسی عملی را کجا، کی، چرا، و با چه چیز و بر روی چه چیزی انجام می‌دهد؛ مثلاً انتخاب بیشتر فرایندهای مادی ممکن است شخصیتی را فعال‌تر و پویاتر از دیگر شرکت‌کننده‌ها با فرایند ذهنی نشان دهد. اگر در متنی، یک شخصیت با فرایندهای مادی و در دیگری، با فرایندهای ذهنی تصویر شده باشد، توسعه آشکاری در وجوه مختلف شخصیتش در مسیر متن آشکار می‌شود. (شیبانی اقدم ۱۳۹۴: ۱۰۸) کندی^۳ در تحلیلی از یک عبارت کتاب *The secret Agent* از کنراد اظهار می‌کند پیکربندی (ترکیب و شکل) شرکت‌کننده‌ها و فرایندها برای ایجاد تأثیرات خاص در متن است. (کندی ۱۹۸۲)

در زمینه مورد مطالعه از میان پژوهش‌های فارسی به مقاله‌های دیگری نیز می‌توان اشاره کرد؛ در مقاله «سبک‌شناسی داستان براساس فعل: رویکرد نقش‌گرا»، چهار داستان کوتاه فارسی از جلال آل‌احمد و صادق هدایت براساس نظام گذرایی تجزیه و تحلیل شده‌اند و تلاش شده است طرز فکر و ایدئولوژی دو نویسنده آشکار شود؛ (آقاگلزاده و همکاران ۱۳۹۰: ۲۴۳) در مقاله «بررسی ساختار گذرایی در خطبه بیست‌وهفتم *نهج‌البلاغه* براساس فرانش تجربی نظریه نقش‌گرا»، نویسنده نشان داده است که موضوع هر بخش از خطبه در نوع و بسامد فرایندهای به‌کاررفته در آن تأثیرگذار بوده و باعث شده است مشارکین خاصی در فرایندها درگیر باشند؛ (عرب‌زونی و همکاران ۱۳۹۴: ۱) در مقاله «بررسی

1. NØrgaard
3. Kennedy

2. Toolan

کتاب‌های درسی دانشگاهی براساس نظریه نقشگرا، فرایندهای مختلف در کتاب‌های مربوط به رشته علوم انسانی و علوم پایه داده‌برداری و تحلیل شده‌اند. (ابوالحسنی و همکاران ۱۳۸۷: ۱۲۹) در ادامه بعد از ارائه روش کار، به مطالعه فرایندهای مرتبط با کتاب آسمانی و احادیث در بافت عرفانی مثنوی می‌پردازیم تا با تحلیل آن براساس نظام گذرایی و فرانش اندیشگانی مایکل هلیدی، جهان‌بینی شاعر و تأکید او در بیان برخی معانی را روشن‌تر سازیم.

بررسی و تحلیل متن

شعر پدیده‌ای زبانی است. شاعر با بهره‌گیری از امکانات زبانی، دست به گزینش می‌زند و برداشت ذهنی خود را از جهان بیرون و درون بیان می‌کند. معنای اندیشگانی ناظر بر تجربه‌های شاعر از دنیای پیرامون است و می‌تواند با توجه به نظام گذرایی تبیین و تحلیل شود. بدین ترتیب، دنیای فکر شاعر و جهان‌بینی خاص او آشکار می‌شود. وجه معنوی ابیات مولوی در مثنوی و تأثیر استشادهای او از آیات و احادیث با بررسی فرایندهای اصلی و فرعی مطرح شده در آن براساس نظام گذرایی، برجستگی‌هایی دارد. این برجستگی‌ها نسبت مستقیمی با سبک و ایدئولوژی فکری مولوی دارد. به منظور بررسی فرایندها و نقش و کارکرد آیات و احادیث در ابیات مورد مطالعه، در پژوهش پیش رو، با در نظر گرفتن بافت و ایدئولوژی عرفانی غالب در متن، نخست با ذکر نمونه‌های کافی، فرایندهای اصلی بررسی و سپس فرایندهای فرعی به تفصیل بیان می‌شوند. بخشی نیز به ابیات چندفرایندی اختصاص داده می‌شود.

۱- فرایندهای اصلی

همان‌طور که ذکر شد، مایکل هلیدی فرایندها را به دو گروه اصلی و فرعی تقسیم کرده است. فرایندهای اصلی شامل مادی، ذهنی، و رابطه‌ای در مثنوی با بسامد متنوعی قابل پیگیری است. طبق داده‌برداری‌های صورت‌گرفته از میان سه

س ۱۳ - ش ۴۶ - بهار ۹۶ - جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول... / ۱۳۱

فرایند اصلی، فرایند رابطه‌ای با ۴۲/۲ درصد، بیشترین بسامد و فرایند ذهنی با ۷/۵۵ درصد کمترین بسامد را دارد. بسامد بیشتر فرایندهای رابطه‌ای در مثنوی معنوی بر جایگاه قدرت در متن عرفانی تأکید می‌کند و مخاطب را در جایگاه انفعال و ضعف قدرت کلام قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر، شاعر مخاطب را به شیوه استقرایی و با صغری و کبری چیدن وادار به دریافت حقیقت از فحوای کلام می‌کند و در پی به فعالیت واداشتن انسان و خارج کردن او از موقعیت انفعالی است.

براساس نظر تولان، می‌توان فرایند رابطه‌ای را به سه شاخه فرعی تقسیم کرد: تأکیدی، ملکی، و پیرامونی. (تولان ۱۳۸۳: ۱۰۱-۱۰۲) در مثنوی، فرایند رابطه‌ای تأکیدی بسامد بیشتری دارد. این فرایند به دلیل ساختار تعلیمی اثر، قطعیت کلام مولوی را آشکار می‌سازد. کارکردهای معنایی فرایندهای رابطه‌ای به‌طور کلی، منفعل‌بودن انسان را القا می‌کنند و گاه علاوه بر تأکید، به ترغیب مخاطب منجر می‌شوند: در بیت زیر مولوی مخاطب را به دست‌کشیدن از تعلقات مادی ترغیب می‌کند تا «خطاب ارجعی» را در آیه «یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» (فجر: ۲۷-۲۸) بشنود:

بی حس و بی گوش و بی فکرت شوید تا خطاب ارجعی را بشنوید
(مولوی بلخی ۱۳۸۷/۱/۵۶۸)

گاه به‌نظر می‌رسد مولوی با توجه به برداشت خود، آیه یا حدیث را تفسیر می‌کند و فرایند رابطه‌ای کارکرد توضیحی می‌یابد:

طَهَّرَا بَيْتِي بِيانِ پاكی است گنج نور است از طلسمش خاکی است
(همان: ۴۳۴)

بیت مذکور به بخشی از آیه ۱۲۵ سوره بقره اشاره دارد که می‌فرماید: «وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ». در این بیت، مولوی توضیح می‌دهد که منظور از «طَهَّرَا بَيْتِي» پاک‌کردن خانه دل از پلیدی‌ها است؛ همچنین، «بی یسمع و یبصر شدن»، «ظن»، «ألمح و أفصح»، «عیال الله» و «فقر» (جدول ۲) چنین است.

گاه فرایندهای رابطه‌ای کارکرد تمثیلی دارند:

خویش و بیگانه شده از ما رمان بر مثال سامری از مردمان (مولوی بلخی ۱۳۸۷/۱/۲۲۵۸)

مولوی برای «رمیدن خویش و بیگانه» از خود تمثیلی از آیه آورده است که می‌فرماید: «قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه: ۹۷) و بدین ترتیب، به «رمیدن مردم از سامری» اشاره می‌کند.

جدول ۲: فرایند رابطه‌ای

نمونه‌ها	آیه / حدیث
رو که بی‌بصر و بی‌بصر تویی سر تویی، چه جای صاحب سر تویی (۱۹۳۸)	فَإِذَا أَحْبَبْتَهُ كُنْتَ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصْرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ، وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَ رِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا إِذَا دَعَانِي أَحْبَبْتَهُ وَ إِذَا سَأَلْتَنِي أَعْطَيْتَهُ (جامع صغیر، ج ۱: ۷۰؛ به نقل از فروزانفر ۱۳۸۷: ۸۹)
آن نمک کز وی محمد أملح است زان حدیث با نمک او أفصح است (۲۰۰۵)	كان يُوسُفُ حَسَنًا وَ لَكِنِّي أَمْلَحُ؛ (بحارالانوار، ج ۷: ۱۹۰؛ به نقل از فروزانفر ۱۳۸۷: ۹۵) أَنَا أَفْصَحُ الْعَرَبِ بَيَدِ أَنِّي مِنْ قُرَيْشٍ وَ نَشَأْتُ فِي بَنِي سَعْدِ بْنِ بَكْرٍ (نهایه ابن اثیر، فائق زمخشری، در ذیل بید؛ به نقل از فروزانفر ۱۳۸۷: ۹۵)
که به ظن تقلید و استدلال‌شان قائم است و جمله پر و بالشان (۱۱۲۶)	وَ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ الظَّنُّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا. (نجم: ۲۷)
همچنین از پشه گیری تا به پیل شد عیال‌الله و حق نعم‌المعیل (۲۲۹۵)	وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. (هود: ۶)
فقر فخری از گزاف است و مجاز نی هزاران عز پنهان است و ناز (۲۳۵۷)	الفقر فخری و به افتخر علی سائر الانبیاء (سفینه‌البحار، ج ۲: ۳۷۸؛ به نقل از فروزانفر ۱۳۸۷: ۱۰۶)
خویش و بیگانه شده از ما رمان بر مثال سامری از مردمان (۲۲۵۸)	قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَ انظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (طه: ۹۷)
بو دواى چشم باشد نورساز شد ز بویی دیده یعقوب باز (۱۹۰۲)	فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ آفَاءً عَلَى وَجْهِهِ فارتدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَنَا اللَّهُ مَا لَا تَعْلَمُونَ. (يوسف: ۹۶)

فرایند مادی با بسامد ۱۸/۹۷ درصد نشان می‌دهد که شاعر کوشیده است با به‌کارگیری آن، امور معنوی و ذهنی را به شکل عینی مطرح نماید تا خواننده

س ۱۳ - ش ۴۶ - بهار ۹۶ - جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول... / ۱۳۳

بتواند مفاهیم ذهنی را به‌طور محسوس دریافت کند. این فرایندها که بر انجام عمل و وقوع امری دلالت دارند، در مثنوی با کنش‌هایی مثل شکستن، بریدن، و زنده‌کردن دیده می‌شوند. (جدول ۳) این فرایندها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- دسته نخست فرایندهایی که هم در آیات و احادیث و هم در ابیات به‌طور یکسان با عبارت عربی مشاهده می‌شود؛ یعنی مولوی فرایند ذکرشده در آیه و حدیث مورد نظر را در ابیات خود بی‌کم‌وکاست ذکر کرده است؛ (شماره ۱ از جدول ۳) برای نمونه «إِنْشِقَ الْقَمَرُ» در بیت

سایه خواب آرد ترا همچون سمر چون برآید عشق، إِنْشِقَ الْقَمَرُ
(مولوی بلخی ۱۱۸/۱/۱۳۸۷)

بخشی از آیه یک سوره قمر است و اشاره به پدیده‌ای دارد که مشارک و کنش‌گر آن بیان نشده است. این فرایند مادی توسط یک نیرو رخ داده است و در ارتباط با «برآمدن عشق»، به‌نوعی رابطه علت و معلولی بین آن دو را آشکار می‌کند؛ بدین ترتیب، «برآمدن عشق» علتی است برای «إِنْشِقَ الْقَمَرُ». در اینجا، فرایندی مادی (إِنْشِقَ الْقَمَرُ) برای فرایندی ذهنی (برآمدن عشق) تعریف شده است که با نیامدن مشارک آن و نسبت‌دادن یک نیرو به رخ‌دادن فرایند، به مخاطب غیر قابل کنترل بودن، شدت، و عظمت امر القا می‌شود؛ در نتیجه، فرایند ذهنی نیز شدت و عظمت می‌یابد. به‌نظر می‌رسد مخاطب باید دریابد فرایند «برآمدن عشق» موضوعی مهم، ضروری، و عظیم است. با این کار، شدت و ضعف این دو فرایند به‌لحاظ معنایی و درجه تأثیر آن بر مخاطب با توجه به مسأله قدرت و جایگاه انسان در میان موجودات عالم و نیروی برتر الهی نیز تبیین می‌شود.

۲- دسته دوم فرایندهایی که از معنی و تفسیر آیات و احادیث دریافت می‌شوند. (شماره ۲، ۳، و ۴ از جدول ۳) اغلب فرایندهای انتخاب‌شده از آیات

موضوعی را نشان می‌دهد که از نظر شاعر و جهان‌بینی او، پررنگ‌تر و چشمگیرتر است. وقتی مولوی می‌گوید: «گر خضر در بحر کشتی را شکست»، (مولوی بلخی ۱/۱۳۸۷/۲۳۶) یعنی از فرایندهای به‌کار رفته در آیه «حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا» (کهف: ۷۱) فرایند مادی «خَرَقَهَا» انتخاب شده و با ترجمه و برداشت ذهنی او، فرایند مادی «شکست» جایگزین آن شده است؛ همچنین، در مصرع «آن پسر را کش خضر ببرید سر» (مولوی بلخی ۱/۱۳۸۷/۲۲۴) فرایند مادی «بریدن» به جای «فَقَتَلَهُ» از آیه «فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ» (کهف: ۷۴) به‌کار رفته است. چنین تقابلهایی ابعاد تازه‌ای از معنا را به ذهن متبادر می‌سازند و به نظر می‌رسد کلام آسمانی در ذهن مولوی تصویری تازه ایجاد کرده است. خضر (مشارک) کنشگر عمل است و فرایندهای مادی (شکستن و بریدن) کنشی انجام‌گرفته محسوب می‌شود. اگرچه فرایندها تغییر یافته‌اند، مشارک، یعنی خضر ثابت است.

۳- دسته سوم فرایندهایی که حاصل ارجاع به مشارک آیه یا حدیث خاصی است؛ برای مثال شاعر عبارات «ناقه الله و سُقياها» را به منزله مشارک عمل از آیه سوره قمر انتخاب کرده و در بیت زیر به‌کار برده است:

تا بر آن امت ز حکم مرگ و درد ناقه الله و سُقياها چه کرد
(مولوی بلخی ۱/۱۳۸۷/۲۵۱۳)

این مسأله‌گزینش آشکار شاعر را از میان سایر بخش‌های آیات نشان می‌دهد. استفاده مولوی از اسنادهای مجازی یا استعاره‌های ذهنی نشانه‌شانه خالی کردن وی از بیان صریح یک عمل یا کنشگر آن است که می‌تواند با انگیزه‌های مختلف، مثل به تفکر واداشتن مخاطب، پررنگ کردن بخش‌های خاصی از معنا، یا حکم کلی دادن در مورد امری صورت گیرد و بر فضاسازی و زمینه‌سازی برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب تأکید کند؛ نیز با دلالت ضمنی بیت به آیه، حس

س ۱۳ - ش ۴۶ - بهار ۹۶ - جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول... / ۱۳۵

تعلیق ایجاد نماید؛ برای مثال در بیت زیر که برداشت مولوی از آیه «ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ» (ص: ۴۲) است، پیر را به «مرغ آبی» تشبیه کرده که مانند حضرت ایوب غرق دریای عسل است:

مرغ آبی غرق دریای عسل عین ایوبی شراب و مغتسل
(مولوی بلخی ۱/۱۳۸۷/۲۰۹۶)

می‌توان این نوع را با توجه به تعریف صادقی در کتاب کارکرد گفتمانی سکوت از نوع «کنش سکوت» دانست؛ براین اساس، معنایی بیشتر از آنچه در بیت ذکر شده است، برداشت می‌شود و شاعر در بیان بسیاری از مسائل سکوت کرده است. (ر.ک: صادقی ۱۳۹۲: ۱۹)

جدول ۳: فرایند مادی

نمونه‌ها	آیه / حدیث
چون برآید عشق، إنشِقَ الْقَمَرُ (۱۱۸)	و إنشِقَ الْقَمَرُ. (قمر: ۱)
گر خضر در بحر کشتی را شکست (۲۳۶)	حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا. (کهف: ۷۱)
آن پسر را کش خضر بیرید سر (۲۲۴)	فَأَنطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ. (کهف: ۷۴)
در زمستانشان اگرچه داد مرگ زنده‌شان کرد از بهار و داد برگ (۲۰۱۹)	يُخِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُخِي الْمَوْتِ (روم: ۵۰)
تا بر آن امت زحکم مرگ و درد ناقه الله و سقباها چه کرد (۲۵۱۳)	ناقه الله و سقباها. (شمس: ۱۳)

فرایندهای ذهنی یکی دیگر از فرایندهای اصلی نظام گذرایی است و شامل یک پدیده و مدرک می‌شود؛ مانند فرایند ذهنی «واقف شدن» در بیت زیر. در این بیت، مدرک محذوف است و «دجله» پدیده آن به‌شمار می‌رود: بلکه از دجله اگر واقف بدی آن سبو را بر سر سنگی زدی
(مولوی بلخی ۱/۱۳۸۷/۲۸۵۲)

این نوع فرایند نمونه‌های اندکی دارد و به نظر می‌رسد با توجه به هدف مولوی و برداشت تعلیمی از آیات و احادیث که به قصد روشنگری یا تبیین نظرات خاص مطلبی بیان شده، در ابیات مورد مطالعه بسیار اندک است. مولوی گاه برداشت‌های انتزاعی خود را از آیات و احادیث مطرح می‌سازد و گاه کلام صریح خداوند را در قالب آیه، حدیث، و روایت ائمه به‌صراحت در انواع فرایندهای یادشده جای می‌دهد.

۲- فرایندهای فرعی

فرایندهای فرعی شامل فرایندهای کلامی، رفتاری، و وجودی است. تحقیقات صورت‌گرفته بر روی ابیات دفتر اول نشان می‌دهد از میان سه فرایند مزبور، بسامد فرایند کلامی بیشتر است؛ فرایند کلامی با ۱۵/۵۱ درصد به‌لحاظ آماری و کمی با فرایند مادی تفاوت چندانی ندارد، اما با توجه به اینکه نظام گذرایی کارکردهای معنایی را دنبال می‌کند، براساس بافت مورد مطالعه، صورت‌های خطابی و آن دسته از فرایندهای مادی دعوت‌کننده به کنش، بر فرایند کلامی تأکید دارند و نشان می‌دهند که در ساختار تعلیمی مثنوی معنوی، منطق گفت‌وگو نقش مهمی دارد.

در مثنوی، فرایندهای کلامی بر مخاطب و گوینده تأکید دارد و با ایدئولوژی شاعر، دریافت او از آیات، و تأکید وی بر بیان کل فرایند یا بخشی از آن مرتبط است. (جدول ۴) خداوند در آیه شصت‌ویک سوره بقره می‌فرماید: «وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ فِثَائِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدْسِهَا وَ بَصَلِهَا.» در این آیه، حق تعالی به قوم بنی‌اسرائیل به‌طور مستقیم خطاب می‌کند، اما مولوی با برداشت مخصوص به خود، به جای عامل، صفت کارگزار را جایگزین می‌کند. در کلام مولوی، قوم بنی‌اسرائیل بی‌ادب - بنی‌اسرائیل مستتر در این ترکیب است - به مخالفت با خدا

س ۱۳ - ش ۴۶ - بهار ۹۶ - جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول... / ۱۳۷

برخاسته‌اند. او به جای اشاره صریح به قوم بنی‌اسرائیل، می‌گوید: «بی‌ادب گفتند: کو سیر و عدس!» (مولوی بلخی ۱۳۸۷/۱/۸۱) فرایند کلامی بیان‌شده متأثر از برداشت ذهنی مولوی از این آیه است.

در حدیث «الصبر مفتاح الفرج» فرایند رابطه‌ای برقرار است. وصف یکی از کارکردهای این نوع فرایند به‌شمار می‌آید. در حدیث مذکور، صفتی از شخصیت «پیر»، یعنی صبوری بیان شده است. مولوی بدین ترتیب، تفسیری تازه از حدیث ارائه داده و به‌طور غیرمستقیم، مخاطب را به تفکر بیشتر در مورد افراد و ارتباط احادیث با شخصیت‌ها وادار کرده است. در تفسیر حدیث «استعینوا علی انجاح الحوائج بالکتمان» وقتی مولوی با آوردن فرایند کلامی (گفت)، به نقل کلام پیامبر(ص) می‌پردازد، انتظار می‌رود مطابقت دقیقی میان بیت مولوی و کلام پیامبر بوده باشد، اما شاعر با ذکر فرایند رفتاری «سر نهفتن» تعبیر متفاوتی از «استعینوا» ارائه می‌دهد:

گفت پیغمبر که هرکه سر نهفت زود گردد با مراد خویش جفت
(همان: ۱۷۶)

مولوی وقتی می‌خواهد مخاطب را به‌طور مستقیم خطاب کند، از فرایند کلامی استفاده می‌کند؛ مثلاً در بیت

نه غلط گفتم که نایب یا منوب گر دو پنداری قبیح آید نه خوب
(همان: ۶۷۴)

با عبارت «گر دو پنداری» اشتباه مخاطب را به او تذکر می‌دهد. همان‌طور که در آیات قرآن بسامد فعل «قُل» و خطاب خداوند به پیامبر(ص) و به‌واسطه او، مردم زیاد است، مولوی نیز اغلب به‌طور صریح با مخاطب سخن می‌گوید. می‌توان گفت در این کار، تأثیر شیوه روایت قرآن در ابیات مثنوی برجسته‌تر نمایان می‌شود. در فرایندهای کلامی، گاه نام مشارک (مانند پیامبر(ص) و ایزد) به‌صراحت مطرح می‌شود؛ همچنین، هنگام استشهاد به آیات و احادیث، به شکل روایی با فرایند کلامی «گفت پیغمبر...» یا «گفت ایزد...» و «فرمود رحمان» نقل

قول می‌شود، اما در اصل آن آیه و حدیث این فرایند کلامی ذکر نشده است. مولوی گاه بدون ذکر نام خدا و پیامبر، یعنی مشارک به نقل آیه و حدیث می‌پردازد. (شماره‌های ۵، ۷، و ۹ از جدول ۴)

جدول ۴: فرایند کلامی

نمونه‌ها	آیه / حدیث
بی‌ادب گفتند: کو سیر و عدس! (۸۱)	وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْتَبِئُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَ بَصَلِّهَا. (بقره: ۶۱)
گفت: ای هدیه حق و دفع حرج معنی الصبر مفتاح الفرج	الصبر مفتاح الفرج. (کنوزالحقایق: ۷۶؛ به نقل از فروزانفر ۱۳۸۷: ۱۰)
گفت پیغمبر که هرکه سر نهفت زود گردد با مراد خویش جفت (۱۷۶)	استعینوا علی انجاح الحوائج بالکتمان. (حیاء، ج ۳: ۱۲۹؛ به نقل از فروزانفر ۱۳۸۷: ۱۰)
گفت ایزد هم رُقُودُ زین مرم (۳۹۲)	و هم رُقُودُ ... (کهف: ۱۸)
نه غلط گفتیم که نایب یا منوب گر دو پنداری قبیح آید نه خوب (۶۷۴)	مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ. (نساء: ۸۰)
بهر این فرمود رحمان ای پسر کل یوم هو فی شأن ای پسر (۱۸۲۱)	کل یوم هو فی شأن. (رحمان: ۲۹)
گفت: طوبی من رأی مصطفی والذی ببصر لمن وجهی رأی (۱۹۴۶)	طوبی رأی طوبی سبع مراتٍ لمن رأی من رأی. (به نقل از فروزانفر ۱۳۸۷: ۱۰)
گفت پیغمبر که دائم بهر پند دو فرشته خوش منادی می‌کنند (۲۲۲۳)	ما من یوم یصبح العباد فیهِ إلا ملکان ینزلان فیقول أحدهما اللَّهُم أعط منفقاً خلفاً و یقول الآخر اللهم أعط ممسکاً تلفاً. (به نقل از فروزانفر ۱۳۸۷: ۱۰۰)

فرایندهای رفتاری و وجودی که از نوع فرایندهای فرعی محسوب می‌شوند. در ابیات مورد مطالعه مثل فرایند ذهنی کاربرد اندکی دارند و با بسامد ناچیزی

س ۱۳ - ش ۴۶ - بهار ۹۶ - جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول... / ۱۳۹
نمود یافته‌اند. با توجه به جهان‌بینی مولوی در مثنوی و نظر او در مورد قدرت خداوندی، فرایند وجودی خاص او دانسته شده است و کمتر بیان می‌شود. به نظر می‌رسد پرداختن به این موضوع به دلیل غلبه وجه تعلیمی کلام در حوزه بیان و معنای مولوی قرار نگرفته است.

۳- چند فرایندی‌ها

پیچیدگی‌های تعلیمی یا اخلاقی مطرح شده شاعر را وادار می‌کند انتخاب‌های متنوعی از میان مضامین داشته باشد. این مسأله موجب می‌شود چند فرایند در کنار هم قرار بگیرند. این گزینش در راستای نیت خاص شاعر و القاکننده هدف مورد تأکید است. (جدول ۵) مولوی گاه از حدیثی با مجموعه‌ای از فرایندهای مادی، رفتاری، و رابطه‌ای متناسب با خواست و نیت خود چند فرایند را برمی‌گزیند و مطرح می‌سازد؛ مثلاً برداشت شاعر از آیه «فکیف آسی علی قوم کافرین» (اعراف: ۹۳) موجب می‌شود او فرایند کلامی «قل» را در بیت به آن بیفزاید. (جدول ۵ شماره ۱) با اینکه یک فعل با فرایند رفتاری در آیه «أَنْتَى لَأُضِيعُ عَمَلَ غَامِلٍ مِّنْكُمْ مَّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ» (آل عمران: ۱۹۵) استفاده شده است، تعبیر مولوی از این آیه حاصل سه فرایند مادی، وجودی، و رفتاری است؛ یعنی کوششی (فرایند مادی) که در مرد و زن وجود دارد (فرایند وجودی)، تحت نظر خداوند (فرایند رفتاری) است.

تعبیر مولوی از یک آیه با فرایند رفتاری برای تأکید بیشتر بر وجه تعلیمی و آموزشی با چند فرایند بیان می‌شود. بر این اساس، انسان با تعریف و مدح زیاد فرعون می‌شود یا به عبارتی، مغرور می‌شود؛ پس باید افتاده بود و اظهار سروری نکرد. (جدول ۵ شماره ۲) گاه مولوی از چندین فرایند در آیات یا احادیث، بخش خاص یا تعبیر خاصی را انتخاب می‌کند و با یک فرایند به آن‌ها اشاره می‌کند.

گاه برعکس مورد پیش، از آیه و حدیث حاصل از یک فرایند برداشتی متفاوت ارائه می‌دهد و فرایندهای متنوع به کار می‌برد؛ برای مثال، در بیت ۱۸۷۶، با استشهداد به آیه «كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»، (حشر: ۱۶) فرایندهای کلامی (إذ قال)، رفتاری (اکفر/ فلما كفر)، رابطه‌ای (إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ)، و رفتاری (أخاف) به دو فرایند رفتاری «در خوی دیوی استوار شدن» و «دیو از او گریختن» کاهش یافته است. (جدول ۵ شماره ۳)

جدول ۵: چندفرایندی

نمونه‌ها	آیه / حدیث	نوع فرایند
راست خوان کژخوانی ما را مبین کیف آسی قل لقوم الکافرین (۲۵۵۸)	فکیف آسی علی قوم کافرین (اعراف: ۹۳)	رفتاری (مبین) رفتاری (اندوه خورم: آسی) کلامی (قل)
هر چه کوشد جان که در مرد و زن است گوش و چشم شاه جان بر روزن است (۱۸۲۴)	أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتِي بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ. (آل عمران: ۱۹۵)	مادی (کوشد) وجودی (است) رفتاری (گوش و چشم بر روزن بودن)
چون شدی در خوی دیوی استوار می‌گریزد از تو دیو ای نابکار (۱۸۷۶)	كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. (حشر: ۱۶)	رفتاری (در خوی دیوی شدن) مادی (می‌گریزد)

نتیجه

در پژوهش حاضر، جهان‌بینی مولوی براساس کارکرد آیات و احادیث با تکیه بر نظام گذرایی در دفتر اول مثنوی مطالعه و بررسی شد. از میان فرایندهای

س ۱۳ - ش ۴۶ - بهار ۹۶ - جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول... / ۱۴۱

مطرح شده در این بخش، فرایند رابطه‌ای با ۴۲/۲ بیشترین بسامد را دارد. فرایندهای مادی با ۱۸/۹۷ درصد، کلامی با ۱۵/۵۱ درصد، رفتاری با ۱۲/۶۹ درصد، ذهنی با ۷/۵۵ درصد، و وجودی با ۳/۰۸ درصد بعد از آن قرار می‌گیرند. بر این اساس، همچنان‌که فرایند ذهنی نسبت به دو نوع دیگر، یعنی رابطه‌ای و مادی کاربرد کمتری دارد، دو فرایند رفتاری و وجودی نیز نسبت به فرایند فرعی دیگر، یعنی فرایند کلامی کمتر استفاده شده‌اند. با توجه به دیدگاه مولوی در مثنوی و تأکید او بر قدرت الهی، ذکر فرایند وجودی که متناسب با قدرت خاص الهی است، کمتر است و ظاهراً به دلیل غلبه وجه تعلیمی و جنبه ارشادی داشتن مثنوی در حوزه کلام عرفانی مولوی قرار نگرفته است.

بسامد بالای فرایند مادی در کنار فرایند رابطه‌ای نشان می‌دهد که مولوی کوشیده است تفکرات عرفانی خود را به صورت ملموس مطرح کند تا مخاطب نیز عمق حقیقت و شهود را دریابد و به راه وحدت رود؛ راهی که مولوی از طریق یک سو نهادن کثرت آشکار ساخته است.

گاه مولوی در برابر یک فرایند موجود در آیه یا حدیث، از چند فرایند مختلف استفاده کرده است و گاه با تقلیل چند فرایند به کار رفته در آیات و احادیث به یک فرایند خاص و متناسب با منظور نظر خود بر بخشی از کلام تأکید کرده است. اگرچه به دلیل موضوع اثر (ژانر عرفانی) و بستر کار به نظر می‌رسید فرایند ذهنی و حتی رفتاری بیشتر باشد و از طرفی، به دلیل ساختار روایی حکایت‌ها انتظار می‌رفت فرایند مادی بسامد بالایی نسبت به کل فرایندها داشته باشد، حاصل تحلیل و بررسی فرایندها در ابیات مثنوی و مطابقت آن‌ها با آیات و احادیث، عکس این پیش‌فرض را اثبات کرد. تبعیت از آیات الهی در اندیشه مولوی سریان دارد. این امر موجب می‌شود منطق گفت‌وگو منطق حاکم بر ابیات مورد مطالعه باشد. فرایندهای مادی به عینی و محسوس شدن امور

ذهنی کمک می‌کنند و مولوی نیز موضوع‌های انتزاعی و تمثیلی خود را در قالب فرایندهای مادی بیان می‌کند. اغلب کنش‌ها و فرایندهای مادی بر منفعل بودن و قرار گرفتن انسان و تمام موجودات در جایگاه هدف در برابر امر الهی در سراسر گفتمان تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که قدرتی در تغییر یا ایجاد اتفاقات ندارند، مگر اینکه مشیت الهی آنان را یاری کند؛ زیرا کمتر به صورت گوینده و کارگزار مطرح می‌شوند. با توجه به بافت کلام، تردیدی در تصرف مشیت الهی نیست. بسامد کمتر فرایندهای رفتاری و وجودی نیز این مسأله را پرنرنگ می‌سازد. در فرایندهای مادی اغلب یک نیرو و مشارک معلولی مشاهده می‌شود که تعبیر ضمنی نیز دارد. انتخاب فرایندها براساس دیدگاه و نگرش مولوی صورت می‌گیرد. این مسأله به نظر می‌رسد برداشت ذهنی مولانا را از آیه یا حدیث روشن می‌سازد. جهان مادی کانون تجلی حق است و با بسامد بالای فرایند رابطه‌ای و پس از آن، فرایند مادی بر این نکته تأکید شده است. فرایند رابطه‌ای نشان می‌دهد که انسان در برابر خداوند و قدرت او منفعل است. فرایند مادی نیز آشکار می‌کند که برای بیان موضوعی عرفانی و مربوط به عوالم روحانی، به کار بردن وجوه مادی، عینی، و محسوس در درک بهتر مخاطب مؤثرتر است.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آقاگلزاده، فردوس و همکاران. ۱۳۹۰. «سبک‌شناسی داستان براساس فعل: رویکرد نقشگرا».

سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). دوره ۴. ش ۱. صص ۲۵۴-۲۴۳.

س ۱۳ - ش ۴۶ - بهار ۹۶ - جهان‌بینی مولوی و کارکرد آیات و احادیث در دفتر اول... / ۱۴۳

ابوالحسنی، زهرا و همکاران ۱۳۸۷. «بررسی کتاب‌های درسی دانشگاهی براساس نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هیلیدی و مقایسه آن با متون همسان غیر درسی؛ معرفی یک پایان‌نامه». سخن سمت، ش ۲۰. صص ۱۲۹-۱۴۳.

تولان، مایکل. ۱۳۸۳. *درآمدی نقادانه-زبان‌شناختی بر روایت*. تهران: بنیاد سینمایی فارابی.

رضویان، حسین و وجیه احسانی. ۱۳۹۴. «کاربرد استعارهٔ دستوری گذرایی در مقایسهٔ سبک دو رمان». *فصلنامهٔ نقد ادبی*. ش ۲۹. صص ۱۶۵-۱۴۳.

شیبانی اقدم، اشرف. ۱۳۹۴. *کلیدواژه‌های سبک‌شناسی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

عرب‌زوزنی، محمدعلی و محمدرضا پهلوان‌نژاد. ۱۳۹۴. «بررسی ساختارگذرایی در خطبه بیست‌وهفتم نهج‌البلاغه براساس فرانقش تجربی نظریه نقش‌گرا». *پژوهشنامه نهج‌البلاغه*. ش ۹. صص ۱-۲۵.

علوی، فاطمه و همکاران. ۱۳۹۴. «مردی که برنگشت؛ سبک‌شناسی انتقادی زاویهٔ دید در داستان کوتاه». *نشریه ادب و زبان*. ش ۳۸. صص ۲۸۹-۲۶۵.

فروزانفر، بدیع‌الزمان. ۱۳۸۷. *احادیث و قصص مثنوی*. تهران: امیرکبیر.

مولوی بلخی، جلال‌الدین محمد. ۱۳۸۷. *مثنوی معنوی*. شرح کریم زمانی. دفتر اول. تهران: اطلاعات.

مهاجر، مهران و محمد نبوی. ۱۳۷۶. «از زبان تا شعر: درآمدی بر زبان‌شناسی سازگانی-نقش‌گرا و کاربرد آن در خوانش شعر». *مجموعه مقالات سومین کنفرانس زبان‌شناسی*. به‌کوشش یحیی مدرس و محمد دبیرمقدم. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. صص ۶۹-۸۱.

English Sources

Buertun, D. (1982). "Through glass darkely: Through dark glasses". in R. Carter (ed), *Language and Literature. An Introductory Reader in Stylistics*. London: George Allen and Unwin.

Halliday, M. A. K and Mathiessen chirstain. (2004). *An Introduction to functional Grammar*^{3rd}, Arnold: Britian. P. 174.

Heidari Darani, Laya. (2014). "Persuasive style and its realization through transitivity analysis: A

Kaffashi, (2004). "A Contrastive Study of Relational attributive Clauses in Narrative Texts in English and Persian Based on

Halliday" SFL perspective", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. Pp. 179 – 186.

Kennedy, C. (1982). *Systematic grammar and its use in literary analysis in R. Carter(ed), Language and Literature: An Introductory Reader in Stylistics*. London: George Allen and Unwin, pp. 83-99.

Simpson, p. (2004). *Stylistic: A Resource Book For Student*. London: Routledge.

References

The Holy Qurān.

Nahj Al-balāghah.

Abol Hasani, Zahrā et al. (2009/1387SH). "Barresi ketāb-hā-ye darsi dāneshgāhi bar asās-e nazariyeh-e naghsh-garāyi". *Pajouhesh va negāresh-e kotob-e dāneshgāhi. (Sokhan-e samt)*. No. 6. Pp. 129- 143.

Aghāgolzādeh. Ferdous et al. (2012/1390SH). "Sabk shenāsi-ye dāstān bar asās -e fe'l: rooykard-e naghsh-garā". *Sabk Shenāsi-ye Nazm va Nasr-e Fārsi. (Bahār-e Adab)*. 4th era. No. 1. Pp. 243-254.

Alavi, Fātemeh et al. (2016/1394SH). "Mardi ke barnagasht, sabk shenāsi-ye enteghādi-ye zāviyeh did dar dāstān kootāh". *Nashriyeh-ye Adab va zabān*. No. 38. Pp. 265-289.

Arab zozani, Mohammad Ali. and Mohammad Rezā Pahlevān-nejād. (2016/1394SH). "Barresi-ye sākhtār-e gozarāyi dar khotbeh-ye bist o haftom-e Nahj al-Balāghah bar asās-e farā-naghsh-e tajrobi-ye nazariyeh-ye naghsh-garā". *Pajouhesh nāmeḥ Nahj al-Balāghah*. No. 9. Pp.1- 25.

Forouzānfār, Badi'-ol Zamān. (2009/1387SH). *Ahādis va ghesas masnavi*. Tehrān: Amirkabir.

Mohājer, Mehrān va Mohammad Nabavi. (1997/1376SH). "Az zabān tā she'r: dar-āmadi bar zabān shenāsi-ye sāzgāni- naghsh-garā va kārbord-e ān dar khānesh-e sh'er". *In the article collection of 3rd linguistic conference*. With the Effort by Yahyā Modarresi va Mohammad Dabir moghadam. Tehrān: Allāmeḥ Tabātabā'i University va Pajouheshgāh-e Oloum-e Ensāni va motāle'āt-e farhangi.

Mowlavi, Jalāl-oddin Mohammad. (2009/1387SH). *Masnavi-ye Ma'navi. Sharh-e Jame'-e daftar-e avval*. Ed. by Karim Zamāni. Tehrān: Ettela'at.

Razaviān, Hosein and Vajihe Ehsāni. (2016/1394SH). "Kārbord-e este'āreh-ye dastouri-ye gozarāyi dar moghāyeseh-ye sabk-e do romān". *Fasl-nāmeḥ-ye Naghd-e Adabi (Literary Criticism)*. No. 29. Pp. 143-165.

Sheybāni aghdam, Ashraf. (2016/1394SH). *Kelid vājeh-hā-ye sabk shenāsi*. Tehrān: Dāneshgāh-e Āzād-e Eslāmi.

Toolan, Michael. (2005/1383SH). *Dar- āmadi naghādāneh- zabān shenākhti bar revāyāt. (Narrative: a critical linguistic introduction)*. Tehrān: Bonyād-e sinamāi-ye Fārabī.